جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

سه‌شنبه ۳ آبان ۱۴۰۱ ۶۳۳۸

«خواب و بیدار»
سریالی که همچنان
بیننده دارد

۹

«بادبان‌های برافراشته» در نگاه تطبیقی با تاریخ

ناگفته‌های مردان کشتی اسپرانتا

۸

ویژه

فریده سپاه‌منصور:

برای پیشکسوتان نقش مهم نوشته نمی‌شود

۶

اهمیت بازگشت سنت‌های قدیمی

یکی از سنت‌های قدیمی و محبوب ژاپنی‌ها، با یک مجموعه تلویزیونی با تماشاگران این کشور تجدید دیدار می‌کند. نینجاها نه فقط در ژاپن که در بقیه جهان هم از شهرت بالایی برخوردارند، در اکشن خانوادگی «خانه نینجاها» دست به یک‌سری ماجراجویی هیجان‌انگیز بومی‌می‌زنند...

۷

رسانه

در گفت‌وگوی «جام جم» با محمد احتشامی تهیه‌کننده بررسی شد

رنگین‌کمان اقوام ایرانی در «تازه‌شو»

۶

سبک زندگی

طرح تحولی مدرسه تلویزیونی رونمایی شد

آموزش مفرح در مدرسه‌ای به وسعت ایران

۷

رسانه

گفت‌وگو با امید وفایی، فیلمساز و مدرس انجمن سینمای جوانان ایران

تنوع «گونه» سینما را از کلیشه دور می‌کند

۱۰

ویژه

توجه به تجربه‌های موفق در قامت مدل‌های کمی و کیفی سریال‌سازی

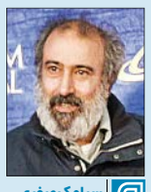

سیامک صفری
رسانه
بازیگر تلویزیون و تئاتر

اختراع دوباره چرخ، بیهوده‌ترین کار ممکن است. پس ما اگر می‌خواهیم کاری کنیم که تولیدات تلویزیونی‌مان به سمت بهبود برود بهترین راه در ابتدا توجه به تجربه‌های قبل است. گاهی از این مسأله غفلت می‌کنیم. این در حالی است که توجه به تجارب گذشته می‌تواند اطلاعات کاربردی در اختیار ما بگذارد و ما را در مسیر درستی قرار بدهد. بنابراین بهترین راه برای شروع هر فعالیتی این است که از تجربه‌های قدیمی‌ترها استفاده کنیم، زیرا آنها آزمون و خطاها را انجام داده‌اند و نیازی نیست که دوباره ما آزمون و خطا داشته باشیم. بنابراین در همه حیطه‌های شغلی چه هنری و چه صنعتی وقتی می‌بینند در فلان بازه زمانی محصولی استاندارد تولید شده همان را الگو قرار می‌دهند و جلو می‌روند نه این‌که بخواهند مجدد از صفر یا زیرصفر شروع کنند. این افراد می‌خواهند مسیر موفقیت را ادامه بدهند، نه این‌که دوباره آزمون و خطاهای خودشان را داشته باشند. وقتی می‌دانیم تجربه‌ای بهینه مثلا در تولید یک محصول در یک دوره زمانی مشخص داشته‌ایم چرا نباید همان را ادامه دهیم و باز بخواهیم از نو و آن هم با سعی و خطا شروع کنیم؟ من همیشه به این موضوع اعتقاد داشتم و در کارهایم از تجربیات گذشته‌ام استفاده می‌کنم، زیرا به نظرم این کار درست است و همواره باید به این مسأله توجه زیادی داشته باشیم. بر همین اساس فکر می‌کنم توجه به مدل کمی و کیفی تولید سریال‌های تلویزیونی در دو دهه قبل که آثار پرمخاطب و محبوبی بودند الگوی مناسبی برای اتخاذ راهبردهایی برای تولید سریال‌هایی با کیفیت بهتر در این مقطع زمانی است. بنابراین سازندگان آثار نمایشی هم می‌توانند از این مدل استفاده کنند و از تجربیات سازندگان آثار نمایشی که سال‌ها قبل کارهای مختلفی را ساخته و پخش شده، استفاده ببرند. زیرا تجربه قبلی نشان داده مخاطب چه چیزی از یک اثر نمایشی می‌خواهد و برایش چه مواردی مهم است. بنابراین این موارد می‌تواند به کارگردانان و تهیه‌کنندگان کمک کند. واقعا هر تهیه‌کننده یا کارگردانی که سفارش کاری می‌گیرد نگاه کند به نمونه‌های موفق قبلی در تلویزیون خودمان تا بفهمد چه باید کرد تا جلوتر رفت. البته نگاه به قبل به معنای واپسگرایی نیست، بلکه تجربه خوب قبلی را بگیرید و به‌روز کنید. بنابراین نباید به این موضوع موضع بگیریم و اتفاقا باید از تجربه‌ها نهایت بهره را برد.

الان اگر بخواهید از صفر شروع به راه‌اندازی هر کاری کنید حتما می‌روید و می‌بینید که گذشتگان چه کرده‌اند، مثلا آیا بدون توجه به موزه‌های موجود در کشور می‌شود یک موزه تازه راه انداخت یا بدون توجه به جریان رسانه‌ای موجود می‌شود رسانه تازه راه انداخت؟ به همین دلیل این موضوع شامل یک حرفه خاص نمی‌شود، بلکه شامل همه مشاغل می‌شود که بهره بردن از اتفاقات مختلف می‌تواند نیروی مکمل باشد که راه را ادامه داد.

یکی از دلایل موفقیت سریال‌های قدیمی حضور بازیگران شناخته شده و استخوان خرد کرده بود. غیبت خواسته و ناخواسته برخی هنرمندان موفق در تلویزیون باعث می‌شود سریال‌ها گاهی از منظر بازیگری، آسیب ببینند. ما در کنار استفاده از تجربیات هنرمندان قدیمی می‌توانیم به هنرمندان جوان که با استعداد هستند میدان بدهیم تا آنها هم رشد و ارتقا در کارشان داشته باشند. در این صورت می‌توانیم شاهد سریال‌های جذاب و موفق باشیم که مردم از تماشای آن لذت ببرند. البته در کنار استفاده از تجربیات موفق گذشته و بازیگران توانا باید از شیوه‌های مناسب داستان‌پردازی برای تولید آثار با کیفیت و جذاب استفاده کرد.

عمق میدان

بخش پایانی

شکست گاو شیرده دشمن در جنگ فرهنگی

ریشه بیانیه‌ها و تحریم‌های سینماگران همسو با اغتشاشگران چیست؟

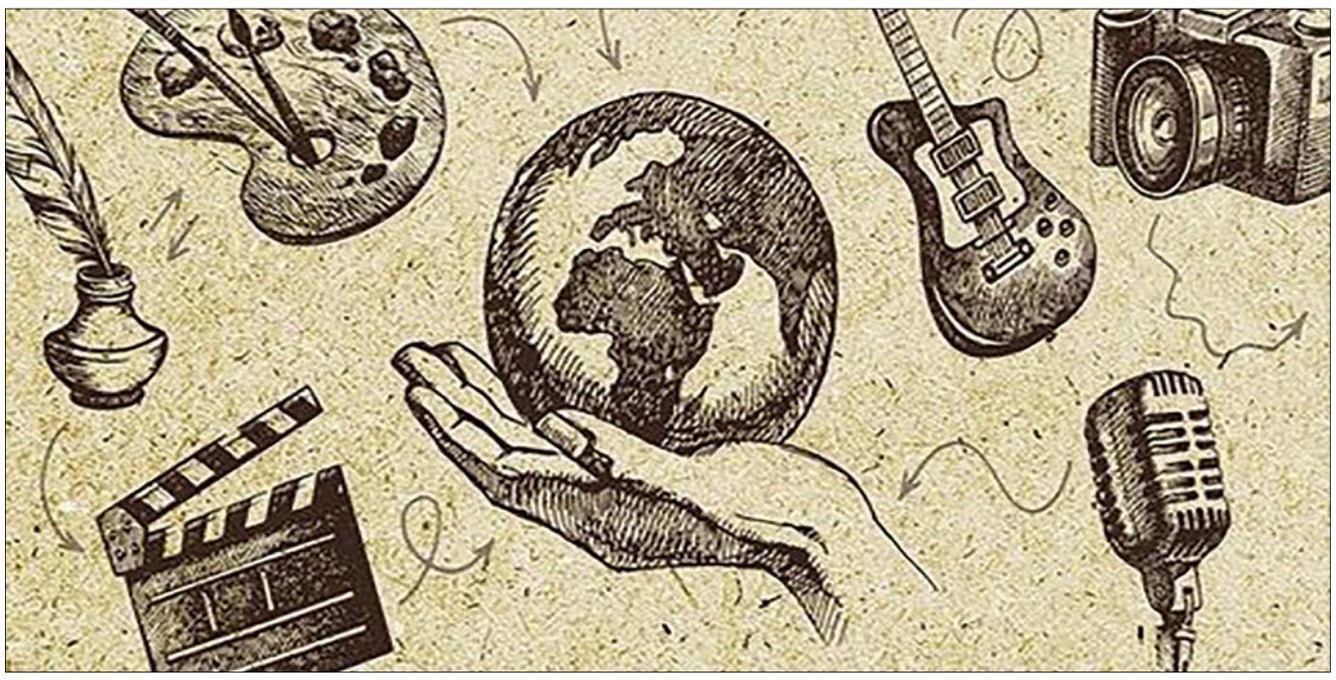

احمد میراحسان
فرهنگ
شاعر و پژوهشگر

در بخش‌های پیشین این سلسله یادداشت‌ها درباره نسبت میان سینمای ایران چه سینمای بلند و چه سینمای کوتاه با مجموعه فرهنگی کشور و خاستگاه آن در دوران دیکتاتوری پهلوی سخن گفتیم و به اینجا رسیدیم که تقلیل و تنزل چالش بزرگ امروزی کاملا خطاست.

۳) من سینما را یک قلمرو ویژه جهان مدرن و هنر مدرن و تکنولوژیک می‌دانم که بیش از هرجا مقامش راهبری فرهنگ، ساختار فکری و اخلاقی و سبک زندگی غرب بوده است و در ماهیت مدرن آن تنها با آفرینش و سازمان‌دادن جدی سینمایی با معناها و ساختارهای متمایز می‌توان چیره شد. همین امر طی ۴۳ سال مورد سستی و تعلل و غفلت واقع شده است. انقلاب اسلامی تلاشی بود تا تکنولوژی تولید فیلم و جهان خود فیلم‌های سینمایی بلند و کوتاه و مستند از روی شیطانی اربابان غرب تهی شود و به روح زنده توحیدی و جریان آزادیخواهی، عدالت‌خواهی و سلطه‌ستیزی بپیوندد.

۴) تولد و حضور نیروهای ارزشمند در پیکره سینمای ما طی این ۴ دهه تحت تاثیر تحولات وجودی و روحی انسانی و تربیت و ایمان قلبی و تجربه اجتماعی انقلاب اسلامی غیرقابل انکار است اما این جریان پرورده و توسعه‌نیافته است. حقیقت آن است که پرورش این نیروها به معنای موفقیت در تغییر ساختار سینمای ایران نبوده است. ما در این تغییر بنیادین موفق نبوده‌ایم. نیروهای فراوانی در سینما وجود دارند که می‌توانند بر پیکره یک ساختار سینمای سالم و آزادی‌خواه و معناگرا خدمت کنند اما ساختار سینمای ما هنوز همان ساختار بیمار کشور پیرامونی و غربزده است.

۵) دلایل و علل این عدم موفقیت را باید عالمانه سنجید. ارتباط با علل قدرتمند کلان جریان داخلی و نیز کنش قدرت جهانی و سمت‌گیری لیبرالیستی درون حکمرانی و درون سینمای ایران پس از انقلاب که به شیوه فاسد به سوی غرب گراییده و با مدیریت سازمانی بلبشو و رهاشده یا با تصور تصاحب همین ساختمان به وسیله قدرت اسلامی و حکومت آن را ادامه داده از علل این شکست است. برای همین خیرگی بر وجه شیطانی سینما در این سال‌ها تحقق نیافته بلکه با ساختاری بلبشو به نیروهای فاسد در درون سینما و نیروهایی که رهبران فریب جوانان قدرت بخشیده است.

۶) نتیجه آن است که در پیکره سینما هم سینماگران و هم فیلم‌هایی رشد کرده‌اند که آثار و سینماگران همسو با شیطان بزرگ و سرمایه‌داران وحشی به حساب می‌آیند و روز به روز اینان بیشتر توسعه‌یافته‌اند و مورد حمایت کانون جهانی سلطه و نهادهای سینمایی آن قرار گرفته‌اند.

۷) در سینمای کوتاه هم همین امر رخ داده و همین جریان چه در آثار نیست‌انگارانه و ضد نظام فکری - دینی مشوق انواع ارزش‌های حرامکارانه و سیاه‌اندیشانه و پوچ‌گرا و کینه‌توز نسبت به فرهنگ بومی و مبلغ بردگی و وابستگی و زاویه دید غربگرایانه بوده است.

۸) با این شمایل آسان است که معنای تحریم جشنواره فیلم کوتاه را دوباره مورد دقت قرار دهیم. عاملان این تحریم و بایکوت شکست‌خورده همان فرصت‌طلبان ماهوا دشمن حق و همدست باطل یعنی قدرت براندازِ جهانی‌اند و نقش گاو شیرده آنان را ایفا می‌کنند و از نظر ایدئولوژی با آنها سنخیت دارند. اعضا و پیروان جاهلی که به دنبال این لیدرها هستند با افراد نادان و گاه تشنگان موفقیت آسانند که می‌خواهند ناتوانی هنری‌شان را با هیاهوی سیاسی جبران کنند و عده‌ای هم قربانیان نظام مدیریتی ناکارآمد و بی‌مسئولیت و فاسدند که ۴۳ سال عرصه را به ترکتازی رهبران همسو با دشمن وانهاده تا این نیروهای جوان را چنین بپرورند و عده‌ای هم اساسا به وسیله فشارهای داخلی حالت عصیانی یافته‌اند. برخورد با این نیروهای گوناگون باید متفاوت باشد.

۹) آنچه گفتم اصل مطلب و نظام شناختی روشنی است که دریابیم چه می‌شود در این اغتشاش سینما یا جزئی از آن، گروهی در سینمای مستند یا سینمای فیلم‌کوتاه یا بلند به رفتار براندازانه روی می‌آورند و آنچه از دست‌شان برمی‌آید انجام می‌دهند.

اگر ما به تکالیف عقلایی و دینی و قانونی خود عمل کنیم و مهار مدیریت را به دست نیروهای غربگرا و نئولیبرالیسم و رفتارهای هرج و مرج‌آمیز آنان ندهیم، فائق آمدن بر این اغتشاشات دشوار نخواهد بود

۱۰) با ماله‌کشی بر واقعیت و نداشتن نگرش علمی بر واقعیات ما راه به جایی نمی‌بریم. البته باید تمایزات واقعی نیروها و ساختارهای متفاوت ایدئولوژیک و سیاسی و فرهنگی درون گروه‌های صنفی را درست شناخت. باید با نگرشی جامعه‌شناسانه به درستی، رفتارهای سیاسی اینان را تحلیل کرد. باید بین سربازان نظام سلطه مدرن و سرمایه‌داری متجاوز و برانداز و بین‌المللی و شیاطین حکومتگر و افرادی که به سبب نادانی به یک جریان مخشوش می‌گروند، تمایز گذاشت و در اصل باید کار جدی در تجدید ساختار سینمای ایران و تسویه نگرش‌های خصمانه و ضد استقلال و ضد آزادی و ضد پیشرفت عدالت را به انجام رساند. بحث شناخت درست و پذیرش تمایزات و خط قرمز مراعات حقوق نیروهای مختلف و تعیین فرق آنها با نیروهای خائن و همدست دشمن، امری مهم است.

۱۱) سینماگران فیلم‌های کوتاه مثل مستندسازان و سینماگران فیلم‌های بلند تا زمانی‌که به بلبشو، عقب‌ماندگی، زیر پا نهادن حقوق عمومی هنرمندان و سینماگران در جامعه ایران و برای اصلاح امور و به‌رسمیت نشناختن تمایزات غلط معترض هستند و برای آزادی‌های مشروع و قانونی و حقوقی‌شان مبارزه می‌کنند، حق دارند به این مبارزه ادامه دهند و این جزئی از روند رشد جامعه ایرانی است. بدیهی است نظام جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد بخش براندازان در هر صنف از جمله در میان سینماگران که بنا به ایدئولوژی خود به همدستی با قدرت کنونی مستکبر می‌گرود، دست به عملیات اغتشاش‌آفرین بزنند. رفتار با اینان نباید با بزدلی صورت پذیرد. دلیلی ندارد اینان که جزئی از دشمنان محارب اسلام، ایران، استقلال، عدالت‌طلبی، آزادیخواهی و پیشرفت ما محسوب می‌شوند، آزاد باشند تا دست به عمل براندازانه بزنند. بدیهی است هر کسی قدرت دارد آن دیگری را برای همیشه از میدان به در خواهد کرد. مهم آن است که در ایران شیطان بزرگ و رسانه‌های هدایتگر این جریان از بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و رادیو فردا گرفته تا ایران اینترنشنال و شبکه من و تو و تمام جریانات انگلیسی و اسرائیلی دست به دست هم می‌دهند تا در برابر جریان پیش رونده انقلابی استقلال‌طلب و آزادیخواه و متکی به اسلام مقابله کنند. جریانات درون قدرت سیاسی، جریانات مدعی اصلاح‌طلبی غربگرا، مفسدان اقتصادی، نیروهای طماع و استثمارگر دلال مسلکی که در درون تجارت، نظام تجاری و نظام اقتصادی ایران پنهان شده‌اند و نیروهایی که در نهادهای فرهنگی جا خوش کرده‌اند و طرفدار سلطه غرب هستند، باید از قدرت برکنار شوند و مانع فعالیت‌شان شد.

۱۲) ساز و کارهای رفتار درست در قلمرو سیاست قوا، نهادهای اجتماعی، دانشگاه، مطبوعات، سینما و تطهیر روح رو به سوی فرامین الهی و حق متعال را پیش از این مشروحا توضیح دادم و باز خواهم داد اما مراقب باشیم نظام شناختی و نظام فکری ما در برخورد با موضوع فهم کنش‌های مختلف اغتشاش دچار اشتباه نشود. اگر ما به تکالیف عقلایی و دینی و قانونی خود عمل کنیم و مهار مدیریت را به دست نیروهای غربگرا و نئولیبرالیسم و رفتارهای هرج و مرج‌آمیز آنان ندهیم، فائق آمدن بر این اغتشاشات دشوار نخواهد بود. آنچه مهم است دفاع از جمهوری اسلامی و پیشرفت و ساختن جامعه سالم و مبارزه با فساد داخلی است تا در برابر توطئه‌های نظام جهانی کفر، استوار ادامه دهیم.